

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد ظاهر - امریکا

۲۸ مارچ ۲۰۲۳

## جنبش زنان و طالبان

بخش ۲۲

زنان و برخورد حکومت سرداران

سردار شاه محمود خان

محمد ظاهر شاه وقتی از تطبیق و گسترش ریشه قدرت سلطنت و برقراری «حکومت مطلقه و اداره مشترک خانوادگی»، توسط سردار محمد هاشم خان در طی ۱۷ سال اطمینان حاصل کرد. بعد از ختم جنگ جهانی، و آزادی کشور های نیم قاره هند، متوجه مسؤولیت و اداره امور دولت شد. شاه که از سختگیری، قساوت و حرص و آز محمد هاشم خان با خبر بود برای این که از جوشش مردم علیه نظام شاهی مطلقه ای که کاکایش بنیاد گذاشت جلوی گیری نماید. مکتوب بر طرفی سردار محمد هاشم خان را به دست رئیس ضبط و احوالات، به صدراعظم فرستاد و خبر تقرر سردار شاه محمود خان به حیث صدراعظم را شام روز ۹ ماه می ۱۹۴۶ از طریق رادیو کابل\* به اطلاع مردم رساند. سیاست داخلی دولت افغانستان با تقرر سردار شاه محمود خان به مقام صدارت، دستخوش تغییرات شد. دولت روش خود را در مقابل مردم نرم ساخت. حکومت شاه محمود خان از طریق رادیو به تبلیغ عتوفت و محبت پرداخت. در امور اقتصادی، اجتماعی و سیاسی که شامل آزادی های سیاسی، مساوات و حقوق مردم می شد، اصلاحاتی را وارد سیاست دولت افغانستان کرد. اما لبه تیز شمشیر دیکتاتوری هنوز هم بُرنده بود. شورش مردم صافی را در شرق افغانستان و تلاش محمد امین خان برادر شاه امان الله خان را که از هند به سرحدات شرقی برای سرنگون کردن سلطنت آمده بود، با آن لبه شمشیر خاموش ساخت.

شاه محمود خان صدراعظم، الله نواز خان و شاه جی هندوستانی، میرزا محمد شاه خان رئیس ضبط و احوالات، محمد گل خان مهمند، عبدالمجید خان زابلی و فیض محمد خان زکریا را از لیست کابینه اول حکومت خود خارج و وزارت های داخله، خارجه و دفاع را برای خانواده شاهی و شرکای سلطنتی حفظ کرد. بعضی از تحصیل کردگان را به حیث رئیس و عضو در کابینه خود شامل ساخت. دروازه زندانها را گشود و زندانیان سیاسی را آزاد کرد. محمد انور بسمل را رئیس مؤسسه مرستون (دارالساکین)، عبدالعزیز خان وکیل سابقه قندهار را رئیس بلدیة قندهار، سید قاسم خان را به صفت وزیر عدلیه (۱۹۵۰) مقرر نمود و عبدالهادی داوی در سال ۱۹۴۷ سر منشی پادشاه گردید.

شاه محمود خان بعد از فراگیری دموکراسی امریکائی از سفر ۹ ماهه در امریکا به افغانستان برگشت و اولین دموکراسی سیاسی را در کشور به تجربه گرفت. رابطه خود را با روشنفکران بهبود بخشید و فضاء را برای نهضت های سیاسی باز گذاشت. عرضه کتب و مجلات ایرانی در کابل شروع شد. نشریه «پا میر» اولین نشریه شهری غیر دولتی در پهلوی انیس و اصلاح به نشر آغاز کرد. مجله «ترقی» به مدیریت لطف الله ترقی به نشر رسید. ریاست مستقل مطبوعات اولین بار جواز نشر جرید آزاد را صادر کرد که جریده «انگار» به مدیریت مسؤل فیض محمد انگار، «وطن» با صاحب امتیاز میرغلام محمد غبار و مدیر مسؤل علی احمد خروش، «ندای خلق» با صاحب امتیاز دکتر عبدالرحمن محمودی و مدیریت مسؤل انجنیر ولی محمد عطایی، «ولس» با صاحب امتیاز گل پاچا الفت، «نیلاب»، «آئینه» و جریده «اتوم» در میمنه، یکی پی دیگری به نشرات پرداختند. با تأسف جریده یا نشریه ای آزاد که توسط زنان افغانستان مدیریت شود یا مقاله ای از یک بانو در جرید آزاد یا دولتی آن زمان به نشر رسیده باشد در دسترس نیست.

شاه محمود خان با مشاوره شاه قانون جدید بلدیہ ها را که با انتخابات سری و کتبی صورت گیرد، تصویب در کابل و سایر شهرهای افغانستان اجرائی گردانید. انجنیر غلام محمد فرهاد مطابق آن قانون رئیس بلدیہ کابل انتخاب شد. انتخابات شورای ملی را که وکیل شورا بدون مداخله حکومت از طریق رأی سری و کتبی مردم انتخاب گردد، در سال ۱۹۴۹ نیز اجرائی کرد.

به اساس قانون انتخابات شورا، دکتر عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد غبار نماینده های شهر کابل، گل پاچا الفت از جلال آباد، محمد کریم نزیبی از اندخوی، صلاح الدین سلجوقی از هرات، عبدالحی حبیبی از قندهار، سید محمد دهقان از بدخشان، عبدالاول قریشی از تخار، خال محمد خسته از مزار شریف، نظر محمد نوا از میمنه و ... با رأی مردم در شورا راه یافتند. عبدالهادی داوی را حکومت برای ریاست شورا، از ده سبز کابل انتخاب و رئیس شورا ساخت. هیچ زن حق انتخاب و شرکت در شورا را نداشت و در قانون انتخابات شورا اصلاً در مورد حقوق زنان در انتخابات تذکر نرفته است.

حلقه ها و جمعیت های روشنفکران در اطراف نشرات آزاد در کابل، سمت مشرقی و قندهار، احزاب را هسته بندی کردند. تشکیل اتحادیه محصلان و استادان نیز از اثر فعالیت های این احزاب شکل گرفت. میرعلی احمد شامل، اسحق عثمان، حسین نصرتی، فقیر محمد مهمند، عبدالواحد، نور احمد شاکر، محمد حسن شرق، سید محمد میوند، یونس سرخابی، عزت الله مجددی، احمد موسی، غنی محمودی، سید احسان غبار، محمد ابراهیم پسر مرحوم محمد اسحق کوپراتیف، عبدالحمید مبارز، محمد فاضل، ... اعضای آن بودند.

فعالان سیاسی ملی گرا در شورا، مبارزان ملی از طریق نشرات غیر دولتی و مسؤلان اتحادیه محصلان به مثابه اپوزسیون، به انتقاد از عمل کرد های حکومت شاه محمود خان برآمدند، آنها تلاش داشتند تا حکومت از سلطنت جدا شود، حکومت از طرف مردم انتخاب گردیده امور اجرائی دولت را در اختیار داشته باشد. آنها می خواستند صلاحیت انتخاب حکومت را از دست خانواده سلطنتی خارج کرده، صدراعظم و کابینه را نزد شورای ملی مسؤل سازند.

دولت برای خنثی سازی این هدف اپوزسیون مطابق نظر سردار محمد داوود خان، در مشاوره با ظاهر شاه، زیر نام «کلوب ملی» وزرای کابینه، هر یک علی محمد خان بدخشانی معاون صدراعظم، محمد داوود خان وزیر دفاع، عبدالمجید خان زابلی وزیر اقتصاد و فیض محمد زکریا وزیر معارف، حزبی را به نام حزب دموکراتیک ملی تأسیس کرد.

در حقیقت منظور از تأسیس «کلوب ملی» ایجاد دو جناح یا حزب سیاسی بود که یکی آن دولتی باشد تا برای کسب کرسی صدارت با اپوزسیون به رقابت و مبارزه سیاسی بپردازد. دولت می خواست قدرت حکومتی باز هم از طریق پارلمان، در اختیار خاندان شاهی باشد. در بین اتحادیه محصلان، «کلوب ملی» با اپوزسیون دولت به رقابت پرداخت. نتیجه جلب و جذب محصلان و استادان، حکومت و فعالان سیاسی، را به سه جناح ذیل تقسیم کرد: جناح طرفداران شاه محمود خان، پیروان محمودی و غبار و جناح طرفدار سردار محمد داوود خان که به نمایندگی از ایشان محمد حسن شرق و دکتر عبدالمجید فعالیت داشتند. طرفداران شاه محمود خان و پیروان محمودی و غبار بیشترین محصلان و شاگردان را جذب کردند ولی جناح سردار محمد داوود خان با جذب تعداد بسیار اندک از اعضای اتحادیه، مأیوس شدند و اساسنامه ای را از جانب خود نوشته و در روزنامه انیس به نشر سپردند که مورد قبول اتحادیه محصلان واقع نگردید و رد شد. سردار شاه محمود خان به بهانه این که اتحادیه اساسنامه منتشر شده از طرف دولت را نپذیرفت، اتحادیه را غیر قانونی اعلان کرد. با غیر فعال شدن اتحادیه، فعالیت «کلوب ملی» نیز آهسته آهسته از بین رفت.

یکی از علل ناکامی «کلوب ملی»، جلب و جذب بیشتر روشنفکران توسط اعضای آزادیخواه دوره هفت شورا و دیگر آن عدم رضایت شخص صدراعظم از ایجاد «کلوب ملی» بود. زابلی وزیر اقتصاد، که تأمین کننده مالی کلوب بود از کابینه استعفاء داد. کلوب ملی به فقر مالی مواجه شد و بتدریج از بین رفت. بعد از فرو پاشی «کلوب ملی» سردار محمد داوود خان تلاش کرد تا شاه محمود خان را به تجرید سیاسی قرار دهد و حکومت خودکامه را برقرار کند.

اختلافات سیاسی بین افغانستان و پاکستان روی مسایل مربوط به پشتونستان، اسراف در مصارف و بی کفایتی و فقدان یک سیستم حسابی در پروژه هلمند، سبب شد صدای اعتراض وکلای شورا علیه حکومت بلند شود. وکلاء خواستار احضار صدراعظم و کابینه به شورا شدند. نمایندگان مردم در شورا می خواستند تا حکومت را در برابر شورا جواب ده سازند. اما سلطنت که قبضه ای اختیارات حکومت را در دست داشت در مقابل خواست شورا خاموشی گزید.

گرچه در هفت سال صدارت شاه محمود خان، رهائی زندانیان سیاسی، انتخابات آزاد بلدی، انتخابات دوره هفت شورای ملی، آزادی مطبوعات و نشرات غیر دولتی، تشکیل جمعیت ها و حلقه های سیاسی، عضویت افغانستان در سازمان ملل متحد، جلب همکاری اقتصادی از امریکا، ادامه روابط سیاسی با کشورهای همسایه (به استثنای دولت پاکستان) و دیگر کشور های جهان انجام یافت که از جمله دست آورد های حکومت او به شمار می روند. ولی سردار شاه محمود خان در اداره کشور غیر جدی و مسامحه کار بود. به زیر دستان خود اختیار و صلاحیت داده بود ولی وقتی آنها به مشکلی برخورد می کردند به حمایت ایشان نمی پرداخت. منتقد خود را از وظیفه بر کنار می نمود. کابینه شاه محمود خان بیشترین تغییر و تبدیل وزراء را در ظرف هفت سال صدارت تجربه کرد. در این مدت به هیچ زنی در کابینه سهم داده نشد. زنان نه تنها در کابینه، که در هیچ یک از مقامات و مناصب دولتی و غیر دولتی در زمان صدارت شاه محمود خان جایگاهی نداشتند.

در برنامه اصلاحاتی حکومت شاه محمود خان هم در باره زنان افغانستان کدام طرح مدنظر گرفته نشده بود. در هر یک از برنامه ها، مرام های احزاب و حلقه های اپوزسیون از جایگاه زن در جامعه افغانستان یاد آوری نشده است. چون حکومت و احزاب اپوزسیون به خاطر روحانیون، محافظه کاری را پیش گرفته بودند و نمی خواستند تا با نیرو های مذهبی مناسبات شان به هم بخورد. در حالی که از افتتاح شفاخانه مستورات و مکتب قابلگی، چند سال می گذشت و شاگردان اناث برای درس آموزی قابلگی و معاینات زنان به مکتب و شفاخانه، با سرا پای پوشیده به برقع و حجاب رفت و آمد داشتند. مانند سید بی بی واعظی که در سال ۱۹۳۶ در مکتب قابلگی درس را شروع کرده بود و خواهرش مؤمنه واعظی نرس (قابله) بود. خانم ملیحه رشیدی شاگرد و خانم امت الرسول معلم دینیات بودند و به همین ترتیب

زنان زیادی بودند که هم تدریس می کردند و هم قابله بودند که با چادری، دلاق پاچه چین دار به مکتب می آمدند و در داخل مکتب جوراب های سیاه و چادر های داکه سفید به سر کرده به درس و کار تا ساعت ۵ عصر با معاش ۱۵ افغانی ماهوار و نان چاشت روزانه مصروف خدمت بودند. رقیه ابوبکر معلم لسان، رقیه حبیب، والدۀ شایق جمال، مرحوم فخریه دختر نیک محمد خان سکندر، اقبال خانم، صغرا خانم، هاجره خانم والدۀ خانم مهوش، بوبوگل، زینب خانم محمد صدیق خان سابق شاروال کابل، حمیرا نورزائی، مریم خانم، زینب خانم، عروس قاری عبدالرسول، هاجره خانم (معلم سپورت) بلقیس خانم، انیسه خانم ( دختر سفیر سلطان احمد خان)، ملاحت خانم (خانم دکتر حیدر خان)، گوهر، خانم عبدالغفار خان سرحدار، محترم خانم شیر دل خان، آسیه خانم (متخصص دندان)، نواب، خانم منصور، آرا خانم (والدۀ معصومه عصمتی)، بی بی حاجی خوری عمۀ عصمتی، آمنه خانم (عروس میرزا ولی محمد خان)، بی بی ادی (خانم سردار محمد عمر خان (مبصره)، بی بی گل دختر سردار محمد یوسف خان (مبصره)، انیسه خانم، خاله سید هاشم میرزاد (مبصره)، بی بی گل تاجور، خانم میر کاظم آغا (مبصره)، شاه بو بو، عروس مرحوم حیات (خدمۀ اتاق)، خانم فریسه (تبعۀ فرانسه) اولین مدیر مکتب و خانم مارگریتا برشنا جرمن تبار (خانم استاد عبدالغفور برشنا) مدیر دوم در مکتب اندرابی (مستورات) ایفای وظیفه می کردند. \*\* کیرا نور زائی، عالیہ پوپل، شفیکه رشیدی، سید بی بی واعظی، رقیه حبیب (ابوبکر) و حمیرا نورزائی نخستین فارغ تحصیلان لیسه ملالی، لیسه عصری انات افغانستان در سال ۱۹۴۷ بودند. \*\* این بانوان تحصیل کرده در هیچ یک از مقام های حکومتی دوره صدارت سردار شاه محمود خان شامل وظیفه نگر دیدند.

سردار شاه محمود خان قدرت برطرف کردن سردار محمد داوود وزیر دفاع را که با اصلاحات او مخالف بود، نداشت تا فشار درون خانواده را کاهش دهد. ولی برای جلوگیری از فشار وکلاء اپوزسیون مبارز شورای ملی که پیشنهاد احضار صدراعظم و کابینه او را به پارلمان کردند. در همکاری با طرفداران خود در داخل شورا، به خصوص رئیس و معاونین شورا، بیان نطق اکثر وکلاء آزادی خواه را قطع و ناتمام می کرد، تصویب کتبی مصوبات مجلس را که به مفاد مردم و سیاست خارجی افغانستان می بود در خفا تحریف می نمود. علاوه بر آن طرفداران حکومت در شورا برای جلوگیری از فعالیت اکثر وکلای شورای ملی که خواهان تغییرات عمده ای در زندگی مردم بودند، به خصوص دکتر عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد غبار را دشنام دادند. دکتر محمودی را در داخل و خارج از شورا علاوه بر حمله با چاقو، موصوف را با موتر ربوده و تهدید به مرگ نمودند. وکلای جناح حکومت، اکثر وکلای مبارز و مخالف دولت را متهم به خیانت و دشمن وطن نموده برچسب همکاری با کشور های خارجی زدند. صدراعظم سرانجام برای این که از فشار های اپوزسیون و نمایندگان واقعی مردم خلاصی یابد، به محمد هاشم میوندوال رئیس مستقل مطبوعات، دستور توقیف و مصادره نشرات آزاد را داد که میوندوال بدون وقفه جراید حزبی انگار، وطن، ندای خلق را بدون اخطار کتبی، محکمه و تحقیق توقیف کرد.

حکومت بالای وکلای مبارز شورای ملی آنقدر فشار آورد که بعضی وکلای مخالف دولت از اپوزسیون بریدند و به صف بیطرف ها پیوستند. وکیل عبدالحی حبیبی به پاکستان پناهنده شد. بعد از ختم دوره هفت شورا، محمودی و غبار زندانی شدند. اراضی سید محمد دهقان را بعد از محاکمه دروغین به طور اجبار گرفته و از ساحه سیاست دورش کردند. نور علم مظلوم یار را در تالقان تبعید، محمد طاهر خان غزنوی را توقیف، خال محمد خسته را با وصف کهولت به عسکری سوق دادند. کودتای حزب سری اتحاد را خنثی و یازده نفر به شمول سید اسماعیل بلخی، و قوماندان امنیت ولایت کابل خواجه محمد نعیم خان، را در آن رابطه زندانی ساختند.

شاه محمود خان بعد از سرکوبی تمام نهضت های سیاسی، مانع انتخاب روشنفکران چون دکتر محمودی و میر غلام محمد غبار در دوره هشت شورا گردید. مردم در مقابل این عمل حکومت نخست با انتخابات مقاطعه کردند، بعداً دکانداران، پیشه وران، مأموران پائین رتبه، محصلان دانشگاه، شاگردان دانشکده ها دست به تظاهرات وسیع در جاده های شهر کابل زدند و در مقابل دروازه ارگ رفته و شاه را در بیانات شدید الحن شان مخاطب قرار دادند تا در انتخابات تجدید نظر نماید. مردم زمانی به تظاهرات شان در مقابل دروازه ارگ که با موتر های نظامی و سواره نظام و سبازان بر بام های ارگ با ماشین دار ها محافظت می شد، پایان دادند که از جانب شاه پیامی دریافت نمودند که شاه فردا نظرش را به مردم ابلاغ خواهد کرد.

به عکس شب آن روز حکومت شاه محمود خان از طریق رادیو کابل طی اطلاعیه ای هرگونه اجتماعات را خلاف قانون اعلان و ممنوع ساخت و به متخلفان اخطار داد که به جزاء محکوم خواهند شد. با استقرار زره پوش ها صبح آن روز در جاده ها، شهر نظامی شد. حکومت انتخابات را مطابق میل خود اجراء کرد. دکتر عبدالرحمن محمودی و میر غلام محمد غبار را با عده ای از اعضای حزب «ندای خلق» و «وطن» بدون محکمه از یک تا یازده سال به زندان انداخت. برگشت دیکتاتوری پرده از چهره دموکراسی و اصلاحاتی حکومت شاه محمود خان برداشت.

شام ۶ سپتمبر ۱۹۵۳ (۱۳۳۲) خبر استعفای صدراعظم تجرید شده، سپه سالار شاه محمود خان به نسبت مریضی (در حالی که او حتی اطلاع قبلی از این موضوع نداشت) از طریق رادیو کابل اعلان گردید. دولت محمد ظاهر شاه که هفت سال، پرده دموکراسی را در حکومت شاه محمود به چهره کشیده بود، خواست نسخه جدید دیکتاتوری را در وجود سردار محمد داوود خان به آزمایش بگذارد.

حکومت سردار محمد داوود خان و نهضت زنان افغانستان، را در بخش ۲۳ دنبال کنید. ادامه دارد.

\*\*\*\*\*

\* دستگاه رادیو کابل در سال ۱۳۰۴ ش، ۱۹۲۵ع به کار آغاز کرده بود.  
\*\* برگی از خاطرات سیمای شجاعان، رقیه ابوبکر، آئینه افغانستان شماره ۱۲۰، (از کتاب زنان افغانستان در زیر فشار عنعنہ...)

### منابع :

افغانستان در مسیر تاریخ جلد دوم، میر غلام محمد غبار ،  
زنان افغان زیر فشار عنعنہ ...، دکتر سید عبدالله کاظم،  
تحلیل واقعات سیاسی افغانستان، عبدالحمید مبارز ،  
افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ،  
خاطرات سیاسی، سید قاسم رشتیا .  
محمد ظاهر- امریکا مارچ ۲۰۲۳